

سید داود رشیدی
مجله علمی

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

۱۱۰۲۵۱
کتابخانه

۴- زمین را از اعیان کتب و زمین آن در زمین این است به هکذا تصمم را که هر فنی و ما را از اشیاء
راحت واقعی بازار این مشخص در سطح کشور آغاز کرده ضما حق و حق به این راجع و حرکت و حرکت

۵- طبیب خصوصی نزدیکان - مرکز تری - یو و فی - تمام دیگرها کشور را استخدام و در سطح کشور
حق و کت در سه قسمت ۱- بخش کتار متفکر که واحد را اجاره طبابت منظور است و شخصی
و طبیب از بیمار ۲- صندوق است و تمام بیمار را به بیمارستان و طبیب و بیمارستان یا
بیمارستان بتوانند کتایات خود را در آن بزنند و این صندوقها است و فقط بوسیله بازار این فواید
پاسد آن بعد از روز بازار و کت کت رسیده قرار گیرد

۶- قیام ملت علیه علم و این ط لایم را کشور تحقق میابد = این قوانین مله و انحراف مغضات و لیل بار
رشته خوار و دینه سازی - بار بازار - شکنجه ها غیران که در جرم ملت را به اوج ناطق و طغیان کت
نزاران خانواده با عناوین درد و قاتل و قاتل غیر محرم سرکست خود را از دست دارند و به هر بار
زرد گدا و بر ضرورتان قاحته - بجامه ابراست تحول دارند - بازار میان بیدار گاه ها ز گندیده
با قاضیان مغرور با میان مسلح قاتل آرا و هر مردم می جویند و زندانیان محاکم رژیم منحوس
را از ملوزن و یکم بی سرکست مجدداً زندانها می کشند !!
ماند قرآنی بیدار گاه ها و دیگر بزرگی تغییر ماید و هر سلطان را از اعیان ملت قطع شوند - و ضما
ملکی و کل بازار لول خور و کت نالو گردد و در باره ستم و محکومین زمان و فوج تصمم قاطع و امداد
موش را سگ های آشخ رشته تا مردم و خانواده ها از دوندگی و سالها سال ناهستی فکر است و یک کار و کاسبی
خود بروند و خیال خون آلود و حیثیتان دریده از خشم قاضیان خون آسم و وکل و طاعن خاک مالیده
- حکم با آنها فقط با از کار برد کار می شود - یک هفته در اولین نماز پنجشنبه ملت است و کت ملی
و دینه ها مربوط می شود به علم و حق و کت با طریح در حد و کت ها حد و کت گردد

و خواران کت تصب مخلص به یک کت اجاره داده لشو نان بار آورد و خورد یک فقط
تغنی شده در قفس موجودی که کت از طرف باب خود شده - اجاره خانه ها بهر آن که کت اجاره فعلی
کوت متاخرین به صندوق شهر بار و یا شخص موش کت در دست فرستاده شده - راحت را از خود کت
تغیب شده - با وجود باب سگ های و متین تفون محل کت و در آمد به فروخت و اگر از این
وام بدون تغین ملکی و یک هفته فقط با ضما کت بکفر دیگر هیچ اشیا نخواهد داشت فقط
این قیق و موش اداره و موش و کت ها و کت ها برار و ام گرفته کافی است

۸- پاسداران انطباق از این جوانان را طلب است و در هر حالت نظر فرماندهی مربوط تعلیم
و آگاه موش و گونه خوار است با کت تعداد پاسداران در شهرها و کت از نظر کت تا کت که موش تواند
بلا وضع ملط و آتش و موش را از عناصر فاسد تصفیه و کت از کت اسلحه ای و کت

۹ - تفسیر ابواب بنی محمدی از مردان زمان طبع شد که این باب در تمام نسخه ها (اداری غیر اداری) داخل و احوال تمام آفت و افراد را تحت نظر داشت باشند و خاتمان را در سنگ و بر اوراق اسلامی صرف نمایند و به یکایت و انتظامات بسیار زیاده و مدارس و کما خانه ها و فوارا و آب و سنگ نمایند - مکتب میخواهد که با و انتظامات که با این بن بست نیست و اداری است در باب عین و طریقه اداری

لوام بعد از حضرت شیخ بکله یک ابوابه می آید و متصل در میان بابی است به در در دل مکتب حاصله ۲۴ تحت ترتیب اثر بدهد تا مقصد میان ادارات و غیره از سبب احوال خود و برخورد با مردم اندیشه داشته باشند

۱۰ - مردم از لایکل و نام شهر و در اندام هر بابی که دارند بر کمر این بابی با همین فرم خود را هست بر آید و خوب است است که در این و این طریقه عوض شده و آرام اسلامی که بزرگ آن توفیق تبلیغات اسلامی و مارشال ملی بنظر تقویت حسن و کمال خواهی و تبلیغات با مکتب در سر بنا خانه ها و مدارس است و در این توفیق بگوید ما اسلامی است و کلام قدسین در درسی است این باب را چه بک از تبلیغات که مکتب است و در این است بدون اندیشیم به طریقه افراسیاب و است اجازت و آزار است بدهد فقط تبلیغات اسلامی را ارسال بکنند -

۱۱ - طوط ها بنسبتی زمان و مردان در مدارس بر محله با کرات محل محل که امر در نسخه یکبار لیست شده و بنحویه آن از رویارها و بنا و کشور و طایف و بل بل مکتب در قابل قانون و مکتب شروع داده شده و عینا همین در بار مصالح مکتب نظریه بدهد و انتظام بکنند و بدهد که و نظریات خوب و بر حسیه علمی و بزرگ و اکثر گزارش و در سطح کشور با آرد که است شده - غله عده زبان مکتب بر انتظام از کار دولت و مکتب ملی حتی الدیخان با رفته تا دانش و اقصی حاکم و مکتب مکتب منطق غلط و له بالله ها شوند

۱۲ - نشریات اداری و خارجیه بهیچ کس از او است مراجهتی (امروز بر و فرامی) کاغذ بازرها به رویه - احوال قوا و حق اختصاصی و صدور و مکتب مکتب - ریختن لول یک به شماره - بنظر مکتب در احوال غله است - اخذ تعداد نامه از اجباری و بکنواخت - ضمانت ها ملی و مکتب نسخه دیگر بصلح مکتب و لیست اسلامی مکتب - غله عده مکتب را و از آن بکنند مثل سابق است و ناچار با بنام فراموشی که رفاه و طبع او و امر فلان پس و غیره مانده حتی الدیخان با مکتب مکتب رفاه رفاه و طبع مکتب است که بر فرقه مکتب را بنحویه کت مکتب و مثل یک بنگانه با او رفاه نماید و ما برین و یا برینان و از اندام و از این مکتب لغت لازم بدهند

